

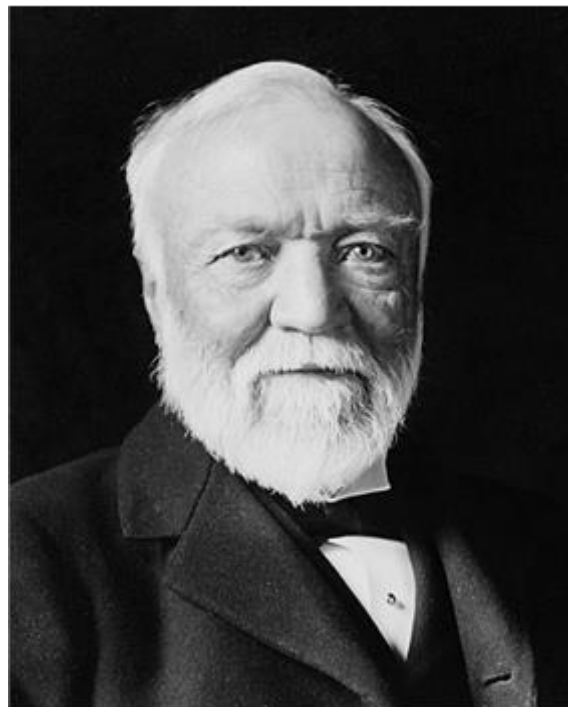
حضرت عبدالبهاء و "بشارت غنی" اثر اندرو کارنگی



اثر "جوناتان منون / ۱۹ نوامبر ۲۰۱۳"

تنها فرد ثروتمندتر از جی پی مورگان (J. P. Morgan) در سال ۱۹۱۲ مهاجری اسکاتلندی از دانفرملاین (Dunfermline)، کانتی فایف، (County Fife)، بود که در دوازده سالگی در سال ۱۸۴۸ به آگنی (Allegheny) در پنسیلوانیا مهاجرت کرد. اولین شغلش را در سیزده سالگی در کارخانه پنبه پیتسبورگ یافت که مسئول ماسوره‌ها شد و در اثناء دوازده ساعت کار روزانه، هفته‌ای یک دلار و بیست سنت دریافت می‌داشت که ماسوره‌های نخ را عوض کند. دو سال بعد در دفتر شرکت تلگراف اوهایو در پیتسبورگ نامه‌رسان شد و هفته‌ای دو و نیم دلار می‌گرفت. در هفده سالگی راه‌آهن پنسیلوانیا او را به عنوان تلگراف‌چی در اثناء هفته‌ای چهار دلار استخدام کرد. تا هجده سالگی به مقام سرپرستی بخش پیتسبورگ راه‌آهن رسیده بود و در آن سال شروع به سرمایه‌گذاری از محل پس‌اندازش نمود. از محل سود سرمایه مجدداً سرمایه‌گذاری کرد و این روند را ادامه داد تا تدریجاً مبنای سرمایه اندرو کارنگی پدیدار شد.

اندرو کارنگی که در جنگ داخلی راه‌آهن نظامی اتحادیه و عملکرد تلگراف در شرق را اداره کرده بود، شرکت راه‌آهن را ترک کرد و توجه خود را به آهن و فولاد معطوف داشت. تا سال ۱۸۸۹ او بزرگترین تولیدکننده چدن خام، ریل راه‌آهن، و کُک در جهان بود. دو نوآوری عمده او یکی عرضه کوره بسمر (Bessemer) که چدن خام را، با سوزاندن و خارج کردن کربن درون آن، به سرعت تصفیه می‌کرد و دیگری ایجاد پیوندی عمودی بین تمامی تأمین‌کنندگان مواد اولیه‌اش بود، سبب شد فولاد کارنگی از تولیدات هر کس دیگری ارزان‌تر تمام شود. در سال ۱۹۰۱ کارنگی در شصت و شش سالگی بازنشسته شد و سهام و منافع خود در فولاد را به مبلغ ۴۹۲ میلیون دلار به جی پی مورگان فروخت و ثروتمندترین مرد روی زمین شد.



The richest man in the world. Andrew Carnegie in 1913.
(Library of Congress)

اما، درست همان موقعی که در طی عصر زرّین^۱، زندگی یک بارون دزد^۲ را داشت و به جمع آوری ثروت و سرکوبی کارگران اعتصابی مشغول بود، کارنگی دیدگاهی متفاوت با نگاه دوستان بسیار ثروتمندش به ثروت را تدوین می‌کرد. او نوشت، "انسان نباید بت داشته باشد و جمع کردن ثروت یکی از بدترین انواع بت پرستی است! هیچ بتی بیش از پرستش پول انسان را حقیر و تباه نمی‌سازد! ... اگر مدّتی طولانی تر غرق امور تجاری شوم و بیشتر فکرم را متوجّه کسب پول بیشتر در مدّتی کمتر نمایم، چنان پست و دنی می‌شوم که دیگر امیدی برای بهبودی دائمی وجود نخواهد داشت."

حضرت عبدالبهاء در بسیاری از جلساتی که کارنگی هزینه مالی آنها را متقبّل میشد، از جمله کنفرانس دریاچه موهونک (Lake Mohonk) درباره حکمیت بین‌المللی، که دلارهای کارنگی هزینه آن را تقبّل کرده بودند، به ایراد خطابه پرداختند. در ماه نوامبر، کارنگی در نیویورک به ملاقات حضرت عبدالبهاء رفت و نسخه‌ای از مقاله خویش با عنوان "بشارت غنی" را به ایشان تقدیم کرد. کارنگی در این مقاله درباره مسئولیت‌هایی که ثروتمندان برای بهبود جامعه دارند بحث کرده بود. او استدلال کرده بود که ثروتمندان نه تنها باید کلّ ثروت خود را صرف

کنند، بلکه باید این کار را با درایت انجام دهند و اطمینان حاصل کنند سازمان‌هایی که از آن استفاده می‌کنند تحت نظارت هستند تا پول مزبور هدر نرود. بعداً، او از اعطاء کمک مالی به یک سازمان صلح که یکی از دوستان توصیه کرده بود امتناع کرد، زیرا احساس می‌کرد وجه مزبور بیش از آن که مفید باشد، لطمه وارد می‌کند. او با حیرت نوشت، "تعجب می‌کنم که متوجه این مطلب نیستید. هیچ چیز بیش از پول یک میلیونر از امری شرافتمندانه سلب قدرت نمی‌کند. حیات آن به این وسیله لگه‌دار می‌شود." او مالیات‌های بالایی را که در انگلستان برای املاک برقرار شده بود تصویب کرد. کارنگی نوشت، "با بستن مالیات گزاف به املاک، دولت زندگی بی‌ارزش میلیونر خودخواه را محکوم می‌کند. مطلوب چنان است که ملت‌ها در این جهت بیش از پیش حرکت کنند."



Andrew Carnegie's first steel mill, the Edgar Thomson Works, in North Braddock, Pennsylvania, near Pittsburgh.
(Detroit Publishing Company)

حداقل از سال ۱۸۷۵، یعنی زمان صدور رسالهٔ مدنیه، حضرت عبدالبهاء مجموعهٔ مشابهی از دیدگاه‌ها در خصوص مسئولیت‌های ثروتمندان را بیان کردند. حضرت عبدالبهاء

نوشتند، "غنا منتهای ممدوحیت را داشته، اگر به سعی و کوشش نفس خود انسان در تجارت و زراعت و صناعت به فضل الهی حاصل گردد و در امور خیریه صرف شود و علی الخصوص اگر شخصی عاقل و مدبّر تشبّث به وسایلی نماید که جمهور اهالی را به ثروت و غنای کلی رساند، همّتی اعظم از این نه." (رساله مدنیّه، طبع آلمان، ص ۲۶ / طبع اوّل، ص ۳۱)

حضرت عبدالبهاء مقاله بشارت غنی را مطالعه کردند و در دهم ژانویه ۱۹۱۳، اندکی بعد از ورود به لندن در مراجعت از آمریکا، مکتوبی به اندرو کارنگی مرقوم داشتند. کارنگی آنچنان تحت تأثیر مکتوب مزبور قرار گرفت که آن را در نیویورک تایمز چاپ کرد. اما در یک مورد خاصّ حضرت عبدالبهاء عقیده داشتند که استدلال کارنگی باید یک قدم فراتر برود. حضرت عبدالبهاء توضیح دادند که یک وجه مهمّ تجدید نظر موقّقت‌آمیز در توزیع ثروت عبارت از لزوم حفظ وحدت در میان اقشار مختلف جامعه بود. حضرت عبدالبهاء توضیح دادند که "مواسات اعظم از مساوات است. مساوات امری است مجبوری و لکن مواسات امری است اختیاری." حضرت عبدالبهاء استدلال فرمودند که اگرچه قوانین توزیع مجدّد ضروری است، اما راه حلّ پایدار برای مسأله فقر و غنا این است که ثروتمندان باید رویکرد بنیادی خود را تغییر دهند، از طریق خویش عدول کرده سخاوتمندانه، بدون ادنی آکراهی، بذل و بخشش نمایند. "زیرا از اجبار اختلال حاصل گردد و انتظام امور بشر مختل شود ولی مواسات که آن انفاق اختیاری است سبب راحت عالم انسانی است سبب نورانیّت عالم انسانی است و سبب عزّت عالم انسانی است"

تا زمانی که آن دو در نوامبر ۱۹۱۲ ملاقات کردند، کارنگی قبلاً صدها کتابخانه عمومی دایر کرده، به کارکنان سابق خود مقرّری بازنشستگی پرداخت کرده، مؤسسه تاسکیگی بوکرتی واشنگتون را در آلاباما تأسیس کرده، و دانشگاه کرانگی ملون و دانشگاه انگلند را در بیرمینگهام دایر کرده بود. در ۱۱ دسامبر ۱۹۱۰ موقوفه کارنگی برای صلح بین الملل را تأسیس نمود: "آقایان محترم - مبلغ ده میلیون دلار به صورت اوراق رهنی پنج درصدی به حساب شما به عنوان امنای صندوق صلح کارنگی منتقل کرده‌ام ... درآمد حاصله باید تحت اداره شما باشد که برای از میان برداشتن جنگ بین المللی، شنیع‌ترین لگّه ننگ بر دامن مدنیت ما، تعجیل نمایید. اگرچه دیگر هم‌نوعان خود را نمی‌خوریم، زندانیان را شکنجه نمی‌نماییم، شهرها را غارت نمی‌کنیم، سکنه

آنها را به قتل نمی‌رسانیم، اما هنوز مانند وحشیان بی تمدن در جنگ یکدیگر را می‌کشیم. فقط جانوران وحشی برای ارتکاب چنین کاری در این قرن بیستم مسیحی عذرشان پذیرفته است، زیرا جنایت جنگ در آنها ذاتی است، زیرا تعیین کننده حق نیست بلکه همیشه تعیین کننده طرف قوی‌تر است."



The Peace Palace at night. The palace at The Hague, in the Netherlands, was built by Andrew Carnegie and completed in 1913. It is now the seat of the International Court of Justice, the United Nations' highest legal body. (Wikimedia)

در ماه می ۱۹۱۵، در بحبوحه جنگ، آن دو نفر مجدداً مکاتبه کردند که باز هم کارنگی آن را در تایمز درج کرد. آن مرد نوع دوست بسیار مورد تمجید حضرت عبدالبهاء قرار گرفت. "نفوسی چند به قول ساعی در این امر خیرند مگر آن شخص محترم که به قول و عمل جانفشانی و بذل اموال ترویج صلح عمومی می‌نمایند." حضرت عبدالبهاء مرقوم فرمودند، "یقین بدان که به تأییدات روح القدس موقّق و مؤید بر این خدمت می‌گرددی و در این عالم فانی تأسیس یک بنیان باقی می‌نمایی تا در ملکوت الهی بر سریر عزّت ابدی استفراریابی."^۴

ثروتمندترین مرد جهان در حال حاضر، کارلوس سلیم غول مخابرات راه دور مکزیکی، دارای سرمایه خالص ۶۹ میلیارد دلاری، و بیل گیتس مالک مایکروسافت است، که در فهرست میلیاردرهای جهان در سال ۲۰۱۲ مجله فوربز (*Forbes*) قرار داشت، و دارای ۶۱ میلیارد دلار ثروت است. در سال ۲۰۰۸، مجله مزبور فهرستی از ثروتمندترین امریکائیان گذشته را انتشار داد؛ مبنای محاسباتش ارزش خالص دارایی آنها نسبت به درصد تولید ناخالص داخلی متعلق به آنها بود. فوربز ثروت شخصی اندرو کارنگی را به ارزش دلارهای سال ۲۰۰۷ بالغ بر ۲۹۸/۳ میلیارد

دلار برآورد کرد، یا، به عبارت دیگر، تقریباً ۵ برابر ثروت بیل گیتس. موقعی که کارنگی در سال ۱۹۱۹ درگذشت، بیش از نود درصد ثروت خود را بذل و بخشش کرده بود.



Inside Andrew Carnegie's Peace Palace at The Hague.
(United Nations)

روز ۱۵ آوریل ۱۹۱۲، پنجمین روز ورود حضرت عبدالبهاء به آمریکا، هیکل مبارک مصاحبه‌ای جالب و گیرا با هادسون ماگزیم، دلال اسلحه، داشتند. در طی مکالمات، حضرت عبدالبهاء او را تشویق کردند که دست از منافع تجاری تأمین موادّ خام برای تسلیحات جامعه‌ای در حال مسلّح شدن بردارد و مجهودات خود را متوجّه تأسیس صلح کند. حضرت عبدالبهاء به او فرمودند، "در این صورت حیات تو پر بار و مولّد نتایج عظیمه خواهد شد. خداوند از تو راضی خواهد بود و از هر نظر انسان کامل خواهی شد." (ترجمه) وقتی حضرت عبدالبهاء چند روز قبل از عزیمت از نیویورک با اندرو کارنگی ملاقات کردند، با مردی دیدار داشتند که دقیقاً همان کار را کرده بود.

(اصل انگلیسی این مقاله در <http://bahaiteachings.org/abdul-baha-and-andrew-carnegies-gospel-of-wealth> درج شده است.)

۱- در تاریخ ایالات متّحده، عصر زرّین Gilded Age به دورانی تقریباً بین دهه ۱۹۷۰ تا آغاز قرن بیستم اطلاق می‌شود. این اصطلاح توسط دو نویسنده کتاب *The Gilded Age: A Tale of Today*، یعنی مارک تواین و چارلز دادلی وارنر (۱۸۷۳) ابداع شد که آنچه را که آنها دوران مسائل جدّی و وخیم اجتماعی در لباس مبدل لایه نازل طلایی می‌دانستند، بیان می‌کرد - م

۲- در ادبیات اقتصادی و انتقاد اجتماعی، عبارت بارون‌های دزد robber barons اصطلاحی تحقیرکننده بود که در جریان قرن نوزدهم به بازرگانان ثروتمند و نیرومند امریکایی اطلاق میشد و ابتدا در نشر آگست ۱۸۷۰ مجله ماهانه آتلانتیک The

Atlantic Monthly ذکر شد. تا اواخر سده ۱۸۰۰، این اصطلاح نوعاً به بازرگانانی اطلاق می‌شد که برای جمع‌آوری ثروت به اقدامات استثمارگرانه دست می‌زدند - م

۳- لوح مبارک خطاب به اندروکارنگی در جلد اول منتخباتی از مکاتیب، ص ۱۱۱-۱۱۲ درج شده و متن آن چنین است: "شخص محترماً تألیف شما، بشارت غنی، را مطالعه نمودم فی الحقیقه آراء سدیدى در آن به جهت آسایش عالم انسانی ملاحظه شد مختصر این است در تعالیم بهاء الله مواسات است و این اعظم از مساوات است. مساوات امری است مجبوری و لکن مواسات امری است اختیاری. کمال انسان به عمل خیر اختیاری است نه به عمل خیر اجباری و مواسات خیر اختیاری است و آن این است که اغنیا به فقرا مواسات نمایند یعنی انفاق بر فقرا کنند ولی به میل و اختیار خویش نه این که فقرا اغنیا را اجبار نمایند زیرا از اجبار اختلال حاصل گردد و انتظام امور بشر مختل شود ولی مواسات که آن انفاق اختیاری است سبب راحت عالم انسانی است سبب نورانیت عالم انسانی است و سبب عزت عالم انسانی است چنان که آثار خیریه آن جناب در سیاحت شهرهای امریک مشاهده شد در بعض دارالفنونها و انجمن‌های صلح و در ترویج معارف. لهذا در حق شما دعا نمایم که همواره مشمول به الطاف و برکت آسمانی باشید و سبب اعمال خیریه در شرق و غرب گردید تا در ملکوت الهی مانند شمع روشن گردید و عزت و حیات ابدیه یابید و از افق ابدی مانند ستاره بدرخشید."

۴- اصل لوح مبارک در کتاب خاطرات حبیب، طبع آلمان، ۱۹۸۸ میلادی، ج ۱، ص ۳۰۹ درج است. متن کامل آن ذیلاً درج می‌شود:

نیویورک، شخص جلیل حضرت مستر اندروکارنگی ایدالله ملاحظه نمایند

هوالله ای شخص جلیل و ای رکن عظیم صلح عمومی، مدتی بود که اراده مکاتبه با شما نموده بودم. ولی واسطه در میان نبود. حال چون حضرت توپاکیان واسطه حاصل شد، لهذا به شما این نامه را می‌نگارم. زیرا فی الحقیقه محب عالم انسانی هستی و از مؤسسین صلح عمومی. امروز اعظم خدمت به ملکوت الهی ترویج وحدت انسانی و خدمت به صلح عمومی است.

نفوسی چند به قول ساعی در این امر خیرند، مگر آن شخص محترم که به قول و عمل جانفشانی و بذل اموال، ترویج صلح عمومی می‌نمایند. یقین بدان که به تأییدات روح القدس موفق و مؤید بر این خدمت می‌گردی و در این عالم فانی تأسیس یک بنیان باقی می‌نمایی تا در ملکوت الهی بر سریر عزت ابدی استقرار یابی. جمیع اعظم و اکابر اروپا در فکر جنگ و هدم بنیان انسانی هستند و تو در فکر صلح و محبت و تقویت بنیان انسانی هستی. آنان سبب ممانند و تو سبب حیات؛ بنیان آنان سست و بی‌بنیاد و بنیان تو ثابت و استوار.

در ایامی که در امریکا و اروپا بودم، در جمیع محافل و مجالس و در جمیع کنائس فریاد می‌زدم که ای مردم، ای حاضرین، عالم انسانی در استقبال خطر عظیم است و خوف شدید؛ اقلیم اروپا مانند جبه‌خانه و قورخانه است و در زیر تمام اقلیم مواد التهابیه در نهایت قوت، لهذا موقوف به یک شراره است که بگتتاً شعله زند و منفجر گردد. پس ای خیرخواهان عالم انسانی، شب و روز بکوشید که شاید این مواد التهابیه انفجار نیابد.

امروز حیات انسانی و عزت ابدی جهد و کوشش به موجب تعالیم حضرت بهاءالله است. زیرا اول تعالیم حضرت بهاءالله وحدت عالم انسانی است. زیرا ما جمیع اغنام الهی و شبان حقیقی حضرت پروردگار و به جمیع اغنام مهربان؛ پس ما چرا با یکدیگر نامهربان باشیم. و از اعظم تعالیم حضرت بهاءالله صلح عمومی است که سبب راحت و آسایش عالم انسانی است و از جمیع

تعالیم بهاءالله وحدت اساس ادیان الهی و وحدت امم و وحدت لسان و وحدت وطن در عالم انسانی است. لهذا در استقبال،
تعالیم حضرت بهاءالله مانع و دافع از خطر عظیم، یعنی حرب عمومی، است. الیوم اساس اعظم ملکوت الله ترویج صلح عمومی
است و وحدت عالم انسانی. هرنفسی بر این خدمت قیام نماید، تأییدات روح القدس می رسد. حال، جمیع آنچه ذکر شده بود
واقع شد و این آتش حرب شعله بر شرق و غرب زد و زلزله بر ارکان انداخت. ولی بعد از این حرب هواخواهان صلح عمومی روز به
روز ازدیاد یابند و حزب صلح فُوران نماید و بر جمیع احزاب غلبه نماید؛ این قضیه حتمی است.

لهذا، از برای آن جناب میدان وسیعی حاصل خواهد شد و باید این مقصد جلیل را به قوه ملکوتی و تأیید روح القدس ترویج نمود.
من در حق تو دعا می نمایم که در جهان صلح و محبت و حیات ابدیه خیمه زنی و علم افزای و خواهش دارم این احترامات فائده
مرا قبول نمایید. عبدالبهاء عباس